

## شانزده آذر - تقدیم به ورودی ۸۲



:: بزرگ نیا، قندچی و شریعت رضوی؛ شهدای ۱۶ آذر ۱۳۳۲

سال پیش دانش آموز بودی و روزت سیزده آبانی که با راهپیمایی صبح و جشن بعد از ظهر مدرسه می گذشت. گرچه پلاکاردی که به دستت می دانند و شعاری که توی دهانت می انداختند با عقاید سیاسی مردهای فامیل در مهمانی های خانوادگی تان، با رادیویی که از رفتن خورشید تا بازگشتش می گفت و می گفت و پدرت می شنید و تفسیر می کرد، نمی خواند. هرچه بود از رونویسی جبر و هندسه از روی تابلوی کلاس بهتر بود. اما سال ها گذشتند، دبیرستان هم ایستگاه آخری داشت که تو و همشاگردی هایت حال باید هر یک به راهی می رفتید. بغل دستیت دیپلمش را روی جهیزیه به خانه ی شوهر برد. دوست صمیمیت نان آور خانه شد و تو با گذشتن از التهاب کنکور دانشجو شدی. روزت را برای بار اول کجا دیدی؟ از ورق شانزدهم آذرماه روی تقویم؟

و آیا از خود پرسیدی که مناسبتش چیست؟ در هیچ تقویمی نمی نویسند که نیم قرن پیش در چنین روزی چه اتفاقی افتاده است. پس بگذار ما برایت

بگوییم ما که قدیمی تر هستیم و خود قصه را از دانشجویان بزرگتر شنیدیم. درست نیم قرن پیش، زمانی که چند ماهی از کودتای سیاه مرداد نگذشته بود، خبر سفر نیکسون نماینده ی ویژه ی سردمدار استعمارگران جهان، اولین تیشه را بر ریشه ی علف هرز رژیم پهلوی زد. توهم دیکتاتور دست نشاندۀ و ارباب بزرگش به دست دانشجویان دانشگاه تهران شکسته شد که رویینی کودتا خیالی بیش نبوده است. دانشجویان معترض به بهای جان باختن بزرگ نیا، قندچی و شریعت رضوی رخوت را شکستند. رخوتی را که سیاهی کودتا، سرکوب و نمایش قدرت دولت بر اراده ی توده ها حاکم کرده بود. و یاد آن حماسه سینه به سینه به ما رسید. چرا که نه سلطنت پهلوی را خوش بود و نه ولایت آخوندی را هست که دانشجویان بدانند وارث چه رسالت بزرگی هستند. رسالتی که نه خون آن سه دانشجو بلکه بستری که در آن جاری شد بر دوش ما می گذارد. ما فرزندان توده هایی هستیم که باید زبان فریادشان شویم. زبان بیان دردشان، که از ثمره ی رنج آن ها تحصیل می کنیم.

اصالت روزمان در حرکت ضد استعماری ۱۶ آذر ۱۳۳۲ است. حرکتی که بر علیه حکومتی وابسته و آلت دست کابیتالیزم به طور خودجوش انجام شد. و تو رفیق جوان من باید بدانی که قرار نیست اتفاقی بیفتد، نه کلاسی تعطیل می شود و نه جشنی برگزار. ما را برای نمایش به میدان شهر نمی برند. پلاکارد به دستمان نمی دهند. و چه خوب که چنین است، که اصالت روزمان در دست نامحرم حقیر نمی شود. روز بزرگ ما یکی از انگشت شمار مناسبت هایی است که می توانیم استقلال خود را از همه ی بخش های وابسته حکومتی نمایش بدهیم چرا که نهادهای وابسته در چنین موقعیت هایی نه در کنار ما که

در مقابل ما صف می کشند. خود ما بهتر می دانیم چگونه یادش را زنده نگاه داریم.

به رسم این نیم قرن، ما اجتماع بزرگی از دانشجویان می شویم که خواست های خود را فریاد می زنیم. دست در دست همیار دبستانی می خوانیم و با کارگران، توده های مزدبگیر فقیر هم پیمان می شویم برای رهایی از استبداد و بندگی.

روز معارفه به تو نگفتند، به ما نیز که دانشجویی تنها نت برداری و امتحان پایان ترم نیست. دانشجو بودن، چشم باز کردن و دیدن دردها و معضلات جامعه است و به دنبال آن کشف راه حل و تلاش برای عملی ساختن آن چه که وضع حاضر را زیرورو کند پس وظیفه ی ما است تا آن چه را که پیشینیان به ما گفتند حال به تو بگوییم و وظیفه ما است که جز گفتن، خشممان از مناسبات موجود را در دگرگون کردن این مناسبات تخلیه کنیم.

تولد دوباره ات مبارک

رُزا جوان

۱۴ آذر ۱۳۸۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری